

جواد طهماسبی

مستشار دادگاههای تجدیدنظر استان لرستان

بررسی تعارضات قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و ۱۳۷۰

○ مقدمه:

قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (تعزیرات) کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی است که به مبحث تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده اختصاص دارد. این قانون اولین قانون دائمی مجازات اسلامی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تصویب رسیده است. انسجام دادن به قوانین کیفری قبل، جایگزینی مجازات شلاق با مجازات حبس، احصاء جرایم قابل گذشت از دیگر ویژگی‌های عمده این قانون هستند. چنانچه به گذشته سیر قانونگذاری در زمینه مسایل کیفری از پیروزی انقلاب اسلامی به بعد بنگریم، قوانین کیفری یک سیر تکاملی را پشت سر گذاشته‌اند. با گذشت زمان در عمل معایب و محاسن قوانین نمود یافته و قانونگذار در صدد تقویت محاسن و رفع معایب برآمده است. بر این اساس هر قانون جدیدی نسبت به قوانین قبلی کاملتر است. با مقایسه قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ با قوانین حدود و قصاص و دیات سابق و نیز مقایسه کتاب پنجم این قانون که در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسیده است با قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ و حتی با قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ سیر تکاملی آنها محرز است و ملاحظه می‌گردد قانونگذار با تصویب قوانین جدید در صدد مرتفع نمودن معایب و نواقص قوانین قبلی نیز بوده است. لذا ملاحظه می‌گردد مقرراتی که در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ پیش‌بینی شده است گاه‌آ در قانون ۱۳۷۵ نیز مورد عنایت قانونگذار بوده‌اند، از جمله مقررات راجع به شروع به قتل عمد و قتل عمد و قتل به تسبیب، فحاشی، سرقت، ساخت و تهیه مشروبات الکلی و غیره... از آن جایی که مجموعه قانون

مجازات اسلامی از ماده یک شروع و تا ماده ۷۲۹ ادامه دارد و هر دو قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ مجموعاً یک قانون محسوب می‌شوند، آیا امکان تعارض بین مواد این قانون وجود دارد و در صورت تعارض بین مواد مختلف این قانون چگونه باید رفع تعارض کرد؟ در چه مواردی تعارض وجود دارد؟ و این تعارضها ظاهری هستند یا واقعی؟ سؤالاتی است که در این مقاله سعی بر پاسخ‌گویی به آنها است.

○ تعارض مواد مختلف یک قانون

گرچه مواد متعدد یک قانون خاص نباید با همدیگر تعارض داشته باشند زیرا هوشیاری قانونگذار باید مانع تصویب مقررات معارض در یک مجموعه باشد و از سوی دیگر تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و... است که موجبات تصویب قوانین جدیدی را فراهم می‌نماید که ممکن است با قوانین سابق معارض و آنها را فسخ نمایند که قطعاً در مواد یک قانون این اسباب نمی‌تواند موجود باشد. اما عملاً در بعضی قوانین این تعارضات دیده می‌شود که برای عمل به آنها باید به ناچار قایل به نسخ مواد مقدم به وسیله مواد متاخر شد. در مورد قانون مجازات اسلامی وضعیت متفاوت است زیرا قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ در راستای سیر تکمیلی قوانین کیفری اسلامی در صدد رفع نواقص و ابهامات قوانین قبلی نیز بوده است و فاصله پنج ساله تصویب قسمت اول و دوم این قانون که سبب شده است در عمل آن را دو قانون بدانند، توجیه‌کننده نسخ موادی از قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ به وسیله قانون تعزیرات ۱۳۷۵ است. در ذیل به بررسی مقررات معارض این دو قانون می‌پردازیم.

○ مبحث اول: حقوق جزای عمومی

۱- معاونت در جرم

ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد «اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تأدیب از وعظ و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می‌شوند...» و در ماده ۷۲۶ آمده است «هرکسی در جرایم تعزیری معاونت نمایند حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم

محکوم می‌شود».

ملاحظه می‌گردد در این دو ماده برای معاونت در جرایم تعزیری مجازاتهای متفاوتی پیش‌بینی شده است. در مورد ماده ۷۲۶ با توجه به نحوه پیش‌بینی حداقل مجازاتها در قانون، سه شکل قابل تحقق است که ضمن بررسی این اشکال بیان می‌شود در هر مورد کدام یک از دو ماده ۴۳ یا ۷۲۶ حاکم است.

۱- در اکثر مقررات کیفری حداقل مجازات پیش‌بینی شده است مثل مواد ۶۷۵ و ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی که حداقل مجازات به ترتیب دو سال و شش ماه حبس می‌باشد. در این موارد که حداقل مجازات قانونی قید شده است، مجازات معاون همان حداقل پیش‌بینی شده است یعنی ماده ۷۲۶ قابل اعمال و فی الواقع ناظر به همین موارد است.

۲- در بعضی موارد بدون قید حداقل مجازات مقرر شده است که مجازات مرتکب مثلاً «تا» سه سال حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق می‌باشد مثل ماده ۶۶۰ که مجازات مرتکب تا سه سال حبس پیش‌بینی شده است و یا مواد متعددی که مجازات مرتکب تا ۷۴ ضربه شلاق قید شده، در این موارد چون حداقل مجازات پیش‌بینی نشده است و از طرفی ماده ۷۲۶ ناظر به مواردی است که در قانون حداقل مجازات پیش‌بینی شده باشد و در نظر گرفتن یک روز حبس یا یک ضربه شلاق یا یک ریال جزای نقدی نیز به عنوان حداقل ضمن اینکه در قانون پیش‌بینی نشده عاقلانه نبوده و با فلسفه وضع مجازاتها نیز مغایرت دارد لذا نمی‌توان ماده ۷۲۶ را اعمال نمود و از شمول این ماده خروج موضوعی دارند در نتیجه در این موارد همان ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی حاکم بوده و معاون جرم طبق این ماده مجازات می‌گردد.*

۳- در بعضی جرایم قانونگذار مجازات را به طور مطلق پیش‌بینی کرده است و از کلمه «تا» نیز استفاده نشده مثلاً قید شده است یکماه حبس یا یکسال حبس یا ۷۴ ضربه شلاق مثل ماده ۶۵۶ قانون مجازات اسلامی در این موارد نیز به لحاظ موضوعیت

* - در این زمینه نظر مخالف نیز وجود دارد. مراجعه شود به کتاب مجموعه دیدگاههای قضایی قضات دادگستری تهران - تهیه و تنظیم معاونت تحقیقات علمی و قضایی دبیرخانه دفتر مطالعات و تحقیقات، کمیسیون امور حقوقی و قضایی انتشارات گنج دانش - چاپ اول ۱۳۷۱ ص ۵۷.

نداشتن حداقل، برای معاون طبق ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی تعیین کیفر می‌گردد. نتیجه می‌گیریم مواد ۴۳ و ۷۲۶ هر دو حاکم می‌باشند اما دامنه شمول آنها تفاوت دارد. در واقع ماده ۷۲۶ قانون خاصی است که کلیت ماده ۴۳ را تخصیص داده و در موارد خاصی حاکم است.

۲- تخفیف و تبدیل مجازات

با وضع ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد «قاضی دادگاه می‌تواند با ملاحظه خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم در موقع صدور حکم در صورت لزوم از مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق و مجازاتهای تکمیلی و تبدیلی از قبیل قطع موقت خدمات عمومی حسب مورد استفاده نماید».

ممکن است این مسأله متبادر به ذهن باشد که این ماده به قاضی اختیار داده است تا با در نظر گرفتن خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم بدون هیچ‌گونه قید دیگری آزادانه مجازات را تخفیف یا تبدیل نماید و استدلال شود که این امر با قاعده «بما یراء الحاکم» در تعزیرات نیز مطابق بوده و منبعث از مقررات شرعی است.

اما مستفاد از منطوق ماده یعنی قید «...مقررات مربوط به تخفیف و...استفاده نماید». این است که قاضی باید شرایط و مقررات قانونی تخفیف و تبدیل مجازات را رعایت نماید یعنی با رعایت ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و یا ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری حسب مورد مبادرت به تخفیف یا تبدیل مجازات نماید و ماده ۷۲۸ دلالت بر اختیار بی‌حد و حصر قاضی و نسخ مقررات مواد ۲۲ و ۲۵ فوق‌الذکر ندارد. علیهذا این مواد قابل جمع هستند. این مسئله در رابطه با تعلیق مجازات نیز صادق است.

○ مبحث دوم: حقوق جزای اختصاصی

۱- فحاشی

ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد «هر دشنامی که باعث اذیت شنونده شود و دلالت بر قذف نکند مانند اینکه کسی به زنش بگوید تو باکره نبودی موجب محکومیت گوینده به شلاق تا ۷۴ ضربه می‌شود» و در ماده ۶۰۸ همان قانون آمده است

که «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود». فحاشی و دشنام دو کلمه مترادف می‌باشند و مصادیق آنها می‌تواند عمل واحد باشد که در دو ماده مختلف از یک قانون برای این عمل مجازاتهای متفاوتی مقرر گردیده است. در بدو امر ممکن است که بین این دو ماده تعارض به نظر برسد اما باید گفت که ماده ۱۴۵ خاص و ماده ۶۰۸ عام است زیرا ماده ۱۴۵ با ذکر یک مصداق یعنی «کسی به زنش بگوید تو باکره نبودی» و هم چنین در نظر گرفتن مبحث باب مورد نظر که قذف (نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری) است، باید گفت که منظور از دشنام در ماده ۱۴۵ نسبت دادن زنا و لواط است به طور غیر مستقیم و به نحوی که قذف مصداق نداشته باشد که در این صورت عمل مشمول این ماده و در سایر فحاشی‌ها به هر لفظ و به هر صورت که بیان شود مشمول ماده ۶۰۸ می‌باشد و از طرفی چون ماده ۶۰۸ عام است نمی‌تواند خاص مقدم را که ماده ۱۴۵ می‌باشد نسخ نماید.

۲- قتل عمد:

ماده ۲۰۸ مقرر می‌دارد «هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید».

در ماده ۶۱۲ آمده است که «هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید».

تفاوت دو ماده فقط اضافه شدن عبارت «یا بهر علت قصاص نشود» در ماده ۶۱۲ است. مجازات هر دو ماده یکی است اما ماده ۶۱۲ دامنه شمولش گسترده‌تر شده است در زمان حاکمیت ماده ۲۰۸ مواردی از قتل عمد تحقق می‌یافت که استناد به این ماده مشکل بود. مثلاً موردی که پدر فرزند خود را می‌کشت گرچه شکایة اعلام رضایت

نمی‌کردند قانوناً قصاص منتهی بود حال آیا فقط به پرداخت دیه محکوم گردد یا می‌توان طبق ماده ۲۰۸ به حبس نیز محکوم گردد با در نظر گرفتن منطوق ماده ۲۰۸ تسری آن به این مورد مشکل بود و این مشکل در مورد قتل کافر توسط مسلمان و قتل مهدورالدم نیز مطرح بود. ماده ۶۱۲ با ذکر عبارت «یا به هر علت قصاص نشود» دامنه شمول مجازات حبس پیش‌بینی شده را به تمام موارد فوق گسترش داد، در واقع علاوه بر مصادیق ماده ۲۰۸ شامل سایر موارد نیز می‌گردد. لذا ماده ۲۰۸ کاملاً نسخ گردیده است و در حال حاضر ماده ۶۱۲ حاکمیت دارد.

۳- ایراد ضرب و جرح عمدی:

تبصره (۲) ماده ۲۶۹ «در مورد این جرم (قطع عضو یا جرح عمدی) چنانچه شاکی نداشته و یا شاکی از شکایت خود گذشت کرده باشد یا موجب قصاص نگردیده ولیکن سبب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد موجب حبس تعزیری از سه ماه تا دو سال خواهد بود».

ماده ۶۱۴ «هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد».

عبارت قطع عضو یا جرح عمدی آن در تبصره ۲ ماده ۲۶۹ لفظ عامی است که تمام مصادیق ذکر شده در ماده ۶۱۴ را نیز شامل می‌شود. ملاحظه می‌گردد که قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۲۶۹ برای قطع عضو و جرح آن به هر درجه که باشد سه ماه تا دو سال حبس تعزیری پیش‌بینی کرده است. در ماده ۶۱۴ برای مصادیق خاصی از جمله فقدان عضو و نقص آن و سایر مصادیق تصریح شده در ماده مذکور مجازات دو تا پنج سال حبس تعیین کرده است. لذا تبصره ۲ ماده ۲۶۹ عام و ماده ۶۱۴ خاص است یعنی هرگاه نتیجه جرح نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقلی مجنی علیه گردد جرم مشمول ماده

۶۱۴ و برای مرتکب دو تا پنج سال حبس باید در نظر گرفته شود و سایر جراحات مشمول تبصره ۲ ماده ۲۶۹ می باشد.

ضرب و جرحی که نتیجه آن موارد پیش‌بینی شده در متن ماده ۶۱۴ نباشد ولی آلت جرح چاقو یا اسلحه و امثال آن باشد مشمول تبصره ماده ۶۱۴ است و اگر همین ضرب و جرحها با غیر چاقو و اسلحه ایراد گردد مشمول تبصره ۲ ماده ۲۶۹ است. با کمال تعجب ملاحظه می‌گردد اگر آلت به کار رفته چاقو و اسلحه باشد مجازات خفیف‌تری اعمال می‌گردد نسبت به ضرب و جرحهای ساده که با وسایل غیر از چاقو و اسلحه ایراد می‌گردند. در حالی که همواره به کارگیری چاقو و اسلحه از موارد تشدید مجازات بوده است. علت امر به نظر می‌رسد عدم توجه قانونگذار به مقررات تبصره ۲ ماده ۲۶۹ در زمان تصویب تبصره ماده ۶۱۴ باشد. این امر نیاز به توجه قانونگذار دارد که با اصلاح مقررات فوق این نقیصه برطرف شود.

۴- سرقت:

ماده ۲۰۳ «سرقتی که فاقد شرایط اجرای حد باشد و موجب اخلال در نظم یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد اگر چه شاکی نداشته یا گذشت نموده باشد موجب حبس از شش ماه تا سه سال می‌باشد». در مواد ۶۵۱ به بعد مواردی از سرقت پیش‌بینی شده است که هر یک دارای شرایط و عناصر خاص خود می‌باشد و در هر مورد نیز با عنایت به کیفیت و نوع سرقت مجازاتهای متفاوتی پیش‌بینی شده و سرقتهای موضوع مواد ۶۵۱ به بعد هر یک شرایط خاصی دارند که از شمول ماده ۲۰۳ خارج شده‌اند. در ماده ۶۶۱ قید شده است «در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور در مواد فوق نباشد مجازات مرتکب، حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود. محل شبهه این است که اگر سرقتی دارای شرایط خاص مواد ۶۵۱ به بعد نباشد آیا مشمول ماده ۶۴۱ است یا ماده ۲۰۳؟ و آیا ماده ۲۰۳ نسخ شده است یا خیر؟

در این مورد باید گفت در صدر ماده ۲۰۳ قید شده است «سرقتی که فاقد شرایط اجرای حد باشد...». در حالی که در صدر ماده ۶۵۱ و هم چنین ماده ۶۵۶ و ۶۵۸ قید

«جامع شرایط حد نباشد» آمده است این در حالی است که شرایط اجرای حد با شرایط حد متفاوت می‌باشد شرایط حد در ماده ۱۹۸ ذکر شده است حال آنکه شرایط اجرای حد در ماده ۲۰۰ بیان گردیده است و بسیار با هم متفاوت هستند. اگر سرقت فاقد شرایط اجرای حد باشد مشمول ماده ۲۰۳ می‌باشد و تفاوتی ندارد که عناصر و کیفیات پیش‌بینی شده در مواد ۶۵۱ به بعد در آن موجود باشد یا خیر حال آنکه اگر سرقت جامع شرایط حد نباشد مشمول مواد ۶۵۱ به بعد خواهد بود و ماده ۶۶۱ که بعد از مواد ۶۵۱ و ۶۵۶ و ۶۵۸ و سایر مواد که سرقت‌های خاصی را پیش‌بینی نموده‌اند مقرر گردیده ناظر به مواد قبل از خود است یعنی شامل سرقت‌هایی است که جامع شرایط حد نباشد و مشمول مواد ۶۵۱ الی ۶۶۰ نیز نباشد. اگر سرقت دارای شرایط حد باشد (ماده ۱۹۸) ولی فاقد شرایط اجرای حد (ماده ۲۰۰) باشد در این صورت مشمول ماده ۲۰۳ می‌باشد.

۵- خرید و فروش و... مشروبات الکلی:

ماده ۱۷۵ هر کس به ساختن، تهیه، خرید و فروش حمل و عرضه مشروبات الکلی مبادرت کند به ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم می‌شود.

ماده ۷۰۲ «هر کس مشروبات الکلی بخرد یا حمل و نگهداری کند به سه تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد».

ماده ۷۰۳ «هر کس مشروبات الکلی را بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به سه ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی یا یک یا دو مورد از آنها محکوم می‌شود».

در ماده ۱۷۵ قانون مجازات اسلامی برای ساختن، تهیه، خرید و فروش حمل و عرضه مشروبات الکلی ۶ ماه تا دو سال حبس پیش‌بینی شده است. قانونگذار ۱۳۷۵ در ماده ۷۰۲ برای خرید و حمل و نگهداری مشروبات الکلی سه ماه تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق پیش‌بینی نموده است لذا در مورد این سه مصداق از ماده ۱۷۵ این ماده نسخ و قابلیت اجرا ندارد و ماده ۷۰۲ حاکم است. و در ماده ۷۰۳ برای ساخت و فروش و در معرض فروش قرار دادن و وارد کردن و در اختیار دیگری قرار دادن آن از سه

ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی پیش‌بینی شده است. ملاحظه می‌شود در بعضی از مصادیق یعنی ساختن، خرید، فروش، عرضه و حمل مشروبات الکلی دو قانون با همدیگر در تعارض هستند حال چگونه باید رفع تعارض کرد و کدام قانون حاکم است؟

بعضی عقیده دارند که با دقت در این دو ماده می‌توان این گونه رفع تعارض نمود که اگر کسی تمامی اعمال ساختن، تهیه کردن، خرید و فروش و عرضه مشروبات الکلی را انجام دهد مشمول ماده ۱۷۵ و اگر کسی فقط یک یا چند از اعمال ساختن، فروختن در معرض فروش قرار دادن یا از خارج وارد کردن و یا در اختیار دیگری قرار دادن را -انجام دهد مشمول ماده ۷۰۳ و اگر کسی یک یا چند از اعمال خریدن، حمل یا نگهداری مشروبات الکلی را انجام دهد مشمول ماده ۷۰۲ خواهد بود.^{۳۱} این استدلال به نظر صحیح نمی‌رسد، زیرا در این صورت در زمان حاکمیت ماده ۱۷۵ قانون مجازات اسلامی می‌بایست شرط تحقق جرم موضوع این ماده ارتکاب تمام اعمال یعنی ساختن و تهیه و خرید و فروش و حمل و عرضه توسط یک نفر باشد یعنی مجرم باید مجتمعاً تمام اعمال فوق را انجام می‌داد تا بتوان طبق این ماده وی را کیفر نمود و الا در صورت ارتکاب یک یا چند مورد از مصادیق فوق عنصر مادی جرم ناتمام و فقط می‌توانست مشمول مقررات شروع به جرم گردد. در صورتی که در زمان حاکمیت ماده ۱۷۵ این چنین عمل نمی‌شد و دادسرا و دادگاه‌ها به اتفاق در صورت ارتکاب یکی از مصادیق مذکور مرتکب را محکوم کردند و شرط تحقق جرم ارتکاب تمام آن اعمال نبود و از مفهوم و منطوق ماده نیز جز این استفاده نمی‌شود. گرچه در متن ماده اگر از کلمه «یا» استفاده می‌شد رساتر بود اما از کلمه «و» نیز استفاده نشده است و مصادیق مختلف با علامت «و» از همدیگر جدا شده‌اند و هر کدام از آنها به تنهایی می‌تواند تشکیل دهنده عنصر جرم مورد نظر باشد.

بر ماده ۱۷۵ ایراداتی وارد بود:

۱- نگاه‌داری مشروبات الکلی به عنوان عمل مجرمانه پیش‌بینی نشده بود.

* کلانتری (کیومرث) مقاله تاملی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ نشریه داخلی کانون وکلای دادگستری سال پنجم شماره نوزدهم - دی ماه ۱۳۷۵.

۲- وارد کردن نیز از مصادیق عمل مجرمانه نبود و با توجه به تفسیر محدود قوانین جزائی غیر ممکن بود که وارد کردن را از مصادیق تهیه دانست.

۳- در اختیار دیگران قرار دادن نیز غیر از موارد فروش جرم محسوب نمی شد.

۴- در این ماده اصلی تناسب جرم و مجازات رعایت نشده بود زیرا اهمیت و نتیجه ساختن و تهیه و عرضه با خرید و حمل یکی نیست کسی که مشروبات الکلی را تهیه یا می سازد نسبت به کسی که ممکن است به لحاظ نیاز شخصی و به طور اتفاقی مبادرت به خرید نماید استحقاق مجازات بیشتری را دارد، در صورتی که برای همه این موارد مجازات یکسانی وضع شده بود.

قانونگذار در سال ۱۳۷۵ در صدد رفع این نواقص برآمد و دو ماده قانونی را به این جرم اختصاص داد. از طرفی مصادیقی که قبلاً پیش‌بینی نشده بود یعنی نگه‌داری و وارد کردن و در اختیار دیگری قرار دادن را جرم محسوب نمود و از سوی دیگر بین مصادیق مهم و کم اهمیت‌تر تفکیک قایل شد برای ساختن، فروش در معرض فروش قرار دادن، وارد کردن و در اختیار دیگری قرار دادن به شرح ماده ۷۰۳ مجازات سنگین‌تری نسبت به خرید و حمل و نگه‌داری (ماده ۷۰۲) پیش‌بینی نمود.

ملاحظه می‌گردد در مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ برای ساختن، خرید و فروش و حمل و عرضه مشروبات الکلی مجازات‌های جدید غیر از آنچه در ماده ۱۷۵ مقرر شده بود پیش‌بینی شده و از طرفی با جرم دانستن ساختن و وارد کردن دیگر مصداقی برای کلمه تهیه باقی نمی‌ماند. لذا در مورد تمام مصادیق ماده ۱۷۵ یا مجازات جدید وضع شده یا موضوعاً منتفی گشته‌اند و این ماده دیگر قابلیت اجرا ندارد و با تصویب مواد ۷۰۳ و ۷۰۲ نسخ گردیده است.

○ نتیجه‌گیری

در راستای سیر تکمیلی قوانین کیفری اسلامی قانون مجازات اسلامی «تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵ به نسبت قوانین قبلی که عمدتاً ترجمه متون فقهی بوده‌اند کاملتر است. مقررات فقهی که ریشه در منابع شرعی و وحی دارند غنی‌ترین منابع حقوق به شمار می‌روند و می‌توانند منشأ تصویب کاملترین قوانین بشری باشند اما این منابع باید خمیر

مایه و عصاره قوانین مصوب باشند و تبیین کننده خط مشی و چارچوب آنها، و نمی توان ترجمه عینی آنها را به صورت قوانین مصوب قانون کاملی دانست لذا شاهد تغییر و تحول اساسی در قوانینی بوده ایم که ابتدائاً رونویس و یا ترجمه عبارات فقهی بوده اند. در این مسیر در ابتدای راه هستیم امید است علمای حوزه های علمیه اساتید دانشگاه ها و صاحب نظران علوم فقهی و حقوقی با استفاده از منابع عظیم حقوق اسلامی بتوانند راه کارهای لازم را جهت تصویب قوانین اسلامی کامل و مطابق با اوضاع و احوال زمان ارایه نمایند شاید گامی باشد در اجرای قوانین الهی که یقیناً تضمین کننده قسط و عدل در بین مردم هستند.

قابل ذکر است چون موضوع مقایسه مواد قانونی و بیان نواقص آنها است از منبع خاص جز دو مورد که در متن مقاله قید شده است استفاده نگردید.

